

## **Economic mental hygiene in the society in the light of Quran and Hadith**

Ahmadifar M(BSc)<sup>1\*</sup>, Rezayi(PhD)<sup>2</sup>, Ahmadian M(PhD)<sup>3</sup>

1- Department of Quran and Hadith, Razavi Islamic Sciences University, Mashhad, Iran

2- Department of Quranic Sciences and Hadith, Jameatte Al-mustafa Al-alemie, Qom, Iran

3- Department of English Language, Arak University, Arak Iran

Received 29 Dec 2010 Accepted 8 March 2011

---

### **Abstract**

As the world is moving at the fastest possible speed toward industrialization, great technical developments, and becoming a place devoid of difficulties and troubles, the issue of illnesses and mental problems still persists as an unpleasant matter which is quite noticeable. This study was done through reviewing the available Quranic books and resources. In such matters, Quran and Hadith are rich in both content and foundation and play a vital role in decreasing and alleviating mental pressures and enhancing and establishing mental health in the society. In this regard, Islam (Quran and Hadith) enjoys and offers recommendations and solutions for fortifying the individual's mental and spiritual basis in the society in a way that it eliminates the peoples' economic and mental pressures and strengthens or establishes their economic mental hygiene. In this regard, the solutions and recommendations of Quran and Hadith can be applied to the treatment of the majority of economic mental diseases and their consequences.

**Keywords:** Economic mental hygiene, Hadith, Quran, society

\*Corresponding author:

Address: Department of Quran and Hadith, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran

Email: Ahmadifar65@yahoo.com

## بهداشت روانی اقتصادی در اجتماع از منظر قرآن و حدیث

مصطفی احمدی فر<sup>1\*</sup>، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی<sup>2</sup>، دکتر موسی احمدیان<sup>3</sup>

- 1- کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران
- 2- دانشیار، دکترای علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران
- 3- استادیار، دکترای زبان شناسی کاربردی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

تاریخ دریافت 89/10/8، تاریخ پذیرش 89/12/18

### چکیده

در حالی که جهان با شتاب توصیف ناپذیری به سوی صنعتی شدن و جهانی عاری از دشواری و سختی و تحولات عمیق فن‌آوری در حال حرکت است، همچنان موضوع بیماری‌ها و مشکلات روانی، موضوعی در خور توجه و نه چندان خشنود کننده به حساب می‌آید. از جمله بیماری روانی که دامن‌گیر جوامع گشته، بیماری دهشتناک اقتصادی است. این بیماری روح و روان جوامع را هدف قرار داده و آشفتگی روانی اقتصادی و پریشان حالی را به دنبال خواهند داشت. این مطالعه با مراجعه به کتب و منابع موجود قرآنی انجام شده است. قرآن کریم روایات، در خصوص این موضوعات به لحاظ مبنایی و محتوایی از غنای والایی برخوردار است و نقش به‌سزایی در کاهش و از بین بردن فشارهای روانی و تقویت یا تأمین بهداشت روانی در اجتماع، دارد. اسلام (قرآن و حدیث)، راهکارها و سفارش‌هایی در این بین دارد که زمینه ساز تقویت روحی و روانی افراد در اجتماع، می‌باشد؛ آن سان که فشارهای روانی اقتصادی مردم را از بین می‌برد و بهداشت روانی اقتصادی آنان را در این زمینه تقویت و پیاپامین می‌کند. در این باره می‌توان از راهکارهای قرآن و حدیث جهت درمان عمده‌ترین بیماری‌های روانی اقتصادی و پیامدهای آن در اجتماع استفاده نمود.

**واژگان کلیدی:** بهداشت روانی اقتصادی، قرآن کریم، حدیث

\*نویسنده مسئول: مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، گروه علوم قرآن و حدیث

## مقدمه

کسب آرامش و اطمینان و دوری از پریشان حالی یکی از اساسی ترین نیازهای فطری بشر است و از دیر باز جزء مسائل اساسی بشر بوده است. جوامع بشری همچنان شاهد وجود هزاران بیمار روانی و گسترش پدیده‌هایی نظیر فقر، جنگ، اعتیاد، خودکشی، و بزهکاری و دیگر بیماری‌هاست، که چونان خوره‌ای مانده که روح و جان انسان‌ها را در بر گرفته و آنها را به تدریج به هلاکت می‌رساند و چون مسائل اقتصادی نقش شگرفی در روان افراد دارد از این رو یکی از اهداف و برنامه‌های نظام‌های اجتماعی، تلاش برای بالا بردن رفاه، بهزیستی و بهداشت روانی اقتصادی افراد است؛ چرا که بهداشت روانی اقتصادی یکی از نیازهای ضروری افراد در جامعه تلقی می‌گردد و عملکرد مطلوب جامعه مستلزم برخورداری از افرادی است که از حیث سلامت و بهداشت روانی در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشند. اما با تمام تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه، وضعیت بهداشت روانی اقتصادی در این کشورها رو به وخامت گزارش شده است.

دین مبین اسلام، از دیر باز این معضل را پیش‌بینی کرده و ضمن تشریح علل آرامش روحی و روانی، راهکارهایی برای پاسخ به این نیاز اساسی بشر ارائه داده است تا جوامع بشری در برابر فشارهای روانی اقتصادی دچار آشفتگی نگشته و افراد انسجام شخصیتی و بهداشت روانی خود را حفظ کنند.

اسلام، به روابط اقتصادی سالم انسان‌ها توجه داشته و خواستار این مهم است که روابط اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که سلامت و بهداشت روان افراد به خطر نیفتد.

الف) مفهوم شناسی

## 1- مفهوم شناسی بهداشت روان

تعریف بهداشت و سلامت روان، چندان ساده نیست و برخی بر این باورند که اصولاً تعریف سلامت روانی ممکن نیست و مشکل بحث بهداشت روانی هم از آنجا سرچشمه می‌گیرد که هنوز تعریف صحیح و قابل قبولی

برای هنجار، بیماری و سلامتی در دست نیست. اصطلاح بهداشت روانی از آن دسته از مفاهیمی است که در روان‌شناسی مورد مناقشه فراوانی بوده و هست.

سازمان بهداشت جهانی، بهداشت روانی را چنین تعریف می‌نماید:

"بهداشت روانی در درون مفهوم کلی بهداشت جای می‌گیرد و بهداشت یعنی توانایی کامل برای ایفای نقش‌های اجتماعی، روانی و جسمی، بهداشت تنها نبود بیماری یا عقب ماندگی نیست" (1).

در تعریف دیگر چنین آمده است:

بهداشت روانی به معنای سلامت فکر است و منظور نشان دادن وضع مثبت و سلامت روانی است که می‌تواند به ایجاد تحرک، پیشرفت و تکامل فردی، ملی و بین‌المللی کمک نماید؛ زیرا وقتی سلامت روانی شناخته شد، برای دستیابی به آن اقدام می‌شود و از این طریق راه برای تکامل فردی و اجتماعی باز می‌گردد (2).

## 2- مفهوم شناسی بهداشت روانی اقتصادی

تعریفی از بهداشت روانی اقتصادی ارائه نشده است تاکنون و شاید این عنوان برای اولین بار مطرح می‌شود ولی با توجه به بررسی‌ها و پژوهش‌ها، بهداشت روانی اقتصادی را می‌توان چنین تعریف نمود:

بهداشت روانی اقتصادی در اجتماع، به معنای سلامت فکری اقتصادی جامعه است و منظور نشان دادن وضع مثبت اقتصادی جامعه و سلامت روانی اقتصادی جامعه است که می‌تواند به ایجاد تحرک، پیشرفت و تکامل فردی، ملی و بین‌المللی کمک نماید.

## ب- تاریخچه

بررسی تاریخچه و پیشینه بهداشت روان، اهمیت و ضرورت توجه بیشتر به موضوع بهداشت روان در پژوهش‌ها روشن نموده و علاوه بر تبیین پیشرفت‌ها، مشکلات و اولویت‌های فعلی بهداشت روانی جوامع را مشخص می‌نماید. در این موضوع، محققان در حوزه علوم اسلامی تحقیقاتی به صورت پراکنده یا در برخی عناوین و مفاهیم بهداشت روانی ارائه و مطالبی را تألیف کرده‌اند.

بیماری‌های روانی اقتصادی در اجتماع:

مواردی که در این بخش بدان پرداخته شده است، از جمله مواردی است که در بهداشت روان جامعه، خلل ایجاد می‌کند و ظهور این امر، منوط به تفکر و تعمق بیشتری می‌باشد.  
الف) فقر:

فقر یکی از پدیده‌های نامطلوب اقتصادی است که آثار زیان بار بی‌شماری در تکوین شخصیت، روان و اخلاق انسانی و نیز در فرهنگ عمومی جامعه بر جای می‌گذارد و سقوط و تباهی مادی و معنوی جامعه و به ویژه تزلزل و تخریب بنیان‌های اقتصادی و فروپاشی اخلاقی را باعث می‌گردد.

1- فقر، پدیده‌ای ممدوح یا مذموم؟

در میان متون اسلامی روایات، گاه در یک موضوع، احادیث با محتوای مختلف وجود دارد. فهم این گونه احادیث، جز در پرتو نگرش جامع به احادیث آن موضوع ممکن نیست. اکنون به روایات فقر جستاری می‌نماییم:

پیامبر اسلام فرمودند: «فقر، از قتل شدیدتر است». در جای دیگر می‌فرماید: «فقر، مایه سیه روزی هر دو جهان است.» (3، 4)

در برابر این روایات نکوهنده، تعداد نسبتاً زیادی روایات ستایش‌گر هم داریم که فهم این دو با توجه به مطالب جنبی دیگر میسر است که شامل موارد زیر است:

امام صادق (ع): همانا ایمان عبد به وسیله تنگدستی در زندگی (فقر) زیاد می‌گردد» لذا برخی از روایات دیگر همین موضوع، نیز به خوبی می‌تواند بیان‌گر مراد این روایت باشد و شبهه را برطرف نماید: ابن‌اثیر از امام علی (ع) نقل می‌کند که فرمود: «کسی که ما اهل بیت را دوست دارد باید فقر را پوشش خود قرار دهد (خود را آماده فقر کند)» (3، 5).

این بیان، به خوبی روشن‌گر آن است که در فضای سیاسی آن روزگار، آن که حق می‌گفت و بر محور حق یعنی علی (ع) می‌چرخید، از بسیاری موقعیت‌های اجتماعی و

سیاسی محروم می‌شد و مآلاً فقر، بر زندگی اش حاکم می‌گشت. یکی از روایان می‌گوید از ابی‌عبدالله (ع) پرسیدم: سه چیز است که مردم بدانان غضب می‌کنند ولی من آنها را دوست دارم: مرگ، فقر و بلا را دوست دارم. پس گفت: همانا اینها آن طور که شما می‌بینید نیست؛ همانا منظور من اینست: مرگ در طاعت خداوند را در برابر زندگی در معصیت خدا را دوست دارم، و فقر در طاعت خدا در برابر غنی در معصیت خدا، و بلا در طاعت خدا در برابر صحت در معصیت خدا» (3).

2- آثار و پیامدهای پدیده فقر در جامعه:

پدیده فقر، به عنوان یکی از مهم‌ترین بیماری‌های روانی اقتصادی، آثار و پیامدهایی در اجتماع از خود بر جای می‌گذارد که مهم‌ترین آنها به قرار ذیل است:

2-1 ضد ارزش‌انگاری ارزش‌های فقر:

فقر مادی نه تنها موجب بی‌اعتنایی و توانمندی‌های انسان و نادیده انگاشتن اعتبار اجتماعی وی می‌گردد، بلکه ارزش‌های واقعی او را نیز ضد ارزش جلوه می‌دهد، در حالی که گاه کارهای خلاف اخلاق و انسانیت ثروتمندان، به دید ارزش و اعتبار نگریسته می‌شود، امام علی (ع) می‌فرماید: فرزندم!... اگر فقیر راستگو باشد، وی را دروغگو نامند و اگر زاهد باشد نادانش خوانند و نیز می‌فرماید: چون دنیا به گروهی روی آورد، نیکویی‌های دیگران را به آنها به عاریت سپارد، و چون از آنان پشت نماید، خوبی‌های آنان را برآید (3، 6).

2-2 انزوا:

نداشتن امکانات مادی و آثار زیان بار فقر بر شخصیت افراد از یک سو، و حاکمیت ارزش‌های تکاثری در جامعه از سوی دیگر، مجالی برای حضور تهیدستان در عرصه اجتماعی نمی‌نهد، گو این که آنان در شهر و دیار خود نیز غریبند و تنها. امام علی (ع) می‌فرماید: "توانگری در غربت، چون در میهن خود ماندن است"

2-3 کینه و دشمنی:

نتیجه طبیعی فشارهای اقتصادی و آثار روحی و اخلاقی آن خشم و دشمنی نسبت به زراندوزان و نظام

تکاثری است که خود به اهمیت اجتماعی، صدمات جدی می‌زند، امیر مومنان (ع) در تشریح پیامدهای فقر می‌فرماید: «به راستی که فقر، باعث دشمنی است» (6)

4-2 تشویش و اضطراب:

فقر مادی و فشارهای اقتصادی، آدمی را می‌آزارد و پیوسته جان و دل او را به خود مشغول می‌دارد و تشویش و اندوه، آرامش روحی وی را بر هم می‌زند و روشن است که انسان مضطرب و نگران کمتر می‌تواند کار مفیدی انجام دهد (7). از این رو عناصری مانند قناعت، و خشنودی از خواست الهی، نقش موثری در حفظ آرامش روان آدمی خواهد داشت امام صادق (ع) می‌فرماید: «پنج خصلت است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد، پیوسته زندگی اش ناقص، خردش تباہ و دلش مشغول خواهد بود.... سوم: وسعت در روزی و نیز امام علی (ع) می‌فرماید: به راستی فقر اندوه آورنده است (8، 9).

ب) اتراف (مصرف گرایی و رفاه زدگی):

رفاه زدگی و مصرف گرایی مفرط در تأمین لذت‌های مادی که در قرآن با تعبیر (( اتراف )) یاد شده، ممنوع و مورد نکوهش قرار گرفته است و آموزه‌های اسلامی در آیات و روایات متعدد به نکوهش اتراف و بیان ویژگی‌های مترفان پرداخته و عواقبی سوء برای آنان برشمرده و آن را عامل نابودی جوامع دانسته است (10).

1- مفهوم شناسی اتراف:

اتراف از واژه (ترف) به معنای نعمت و برخورداری از آن به کار رفته است و مترف به کسی گویند که نعمت فراوان و غرق شدن در شهوات و خوشگذرانی‌ها، او را به غرور و سرکشی، واداشته است (11) و در ازای شکرو ستایش خداوند متعال، سرکشی و کفران نعمت می‌کند و گفتنی است که این واژه، ویژه ثروتمندان است (12، 13).

ثروت زیاد، مصرف گرایی، رفاه زدگی و تجمل گرایی همراه با غرور و طغیان ناشی از آن و اختلاف فاحش طبقاتی، از معیارهای تشخیص اثرات است. در این فرهنگ، مصرف علاوه بر ارزش مادی، ارزش نمادین نیز دارد (14).

2- آثار و پیامدهای اتراف (مصرف گرایی و رفاه زدگی) در اجتماع:

بیماری اتراف (مصرف گرایی و رفاه زدگی) آثار و پیامدهای مختلفی در اجتماع به دنبال دارد. مهم‌ترین آنان به قرار زیر می‌باشد:

1-2 ضرر و زیان اقتصادی در جامعه:

پدیده اتراف، از نظر اقتصادی، عامل رکود و از جهت اجتماعی عامل فساد و از لحاظ معنوی پرتگاه سقوط و تباہی است.

زیان اقتصادی مصرف گرایی و رفاه زدگی، بیش از همه، به افراد کم درآمد و جوامع عقب مانده و در حال توسعه می‌رسد، چه گسترش این پدیده، موجب می‌گردد تا امکانات و ثروت‌هایی که بایستی در سرمایه گذاری در بخش‌هایی زیر بنایی و تولیدی هزینه گردد، به سوی مصرف گرایی و خرید کالاهای تجملاتی و غیر مصرفی خارجی کشانده شود.

2-2 اتراف، مهمترین عامل فساد اخلاقی و رفتارهای جامعه:

غرق شدن در شهوت‌ها و هوس‌ها و زیاده روی در لذات جسمانی و عشق به آنان، مجالی برای اندیشه در کمالات معنوی و انسانی و توجه به بعد روحی باقی نمی‌گذارد و سنگدلی و مرگ عواطف را به دنبال دارد (15). راه را برای تهذیب اخلاقی می‌بندد، به ویژه آن که افتادن در دام هوس‌ها و لذت جویی‌ها، نور و نیروی خرد را سخت ناتوان می‌کند و پذیرش دعوت ادیان و مصلحان را دشوار می‌سازد. از سوی دیگر، حفظ دین موقعیت و ادامه آن بیشتر مستلزم یا همراه ردیلت‌های اخلاقی همچون آزمندی، طمع و بخل است (10).

از جنبه‌ای دیگر، پرداختن به تجملات و کام جویی‌ها، نیز غالباً همراه با ناشایستی‌های اخلاقی و رفتاری همچون فخر فروشی، خود برترینی و بی‌بند و باری خواهد بود و از این رو قرآن کریم در سوره اسراء و شورا، مترفان را مفید و فاسق معرفی می‌کند (10).

2-3 اتراف فرهنگ‌ها و جوامع: از دیگر آثار و پیامدهای اتراف (مصرف گرایی و رفاه زدگی) در اجتماع به سقوط و

نابودی فرهنگ‌ها و جوامع می‌باشد. قرآن کریم با تصریح به این نکته می‌فرماید: چون بخواهیم قریه‌ای را هلاک کنیم، خداوندان نعمتش را بیفزاییم، تا در آنجا تبهکاری کنند، آن گناه عذاب بر آنها واجب گردد و آن را درهم فرو کوبیم (10).

ج) سرقت:

سرقت، از جمله جرایم علیه اموال است که از زمان شکل‌گیری مالکیت خصوصی در جوامع بشری پا به عرصه وجود نهاده این جرم از زشت‌ترین و نفرت‌انگیزترین جرائمی است که متأسفانه در جوامع مختلف بشری به صورت‌های گوناگون بروز کرده و بنیان اجتماعات را در هم ریخته است و آرامش روانی اقتصادی جوامع را مختل ساخته است (16).

قباحت و زشتی عمل سرقت به گونه‌ای است که همه ملت‌ها، به حکم فطرت انسانی و شناختی که از «محسنات و مقبحات عقلیه» داشته و دارند، آن را محکوم نموده، و به دلیل نامشروع بودن این عمل، نوعی مجازات قانونی حسب سنت‌ها و بینش‌های اجتماعی خود برای آن تعیین کرده‌اند، تا آنجا که ما نمی‌توانیم دوره و عصری را پیدا کنیم که سرقت امری مشروع و یا حداقل عادی تلقی شده باشد و در مقررات اجتماعی ملتی به عنوان جرمی بزرگ تلقی نشده و کیفی برای آن مقرر نگردیده باشد (17).

1- مفهوم شناسی سرقت: سرقت تعریفی ساده دارد. اگر از افراد جامعه سوال شود سرقت چیست پاسخ‌هایی نزدیک به هم با مفهومی مشابه خواهند داد. حال آن که به سوالاتی در مورد دیگر مسائل اجتماعی یا جرایمی دیگر با این دقت پاسخ دریافت نمی‌شود (19).

معادل واژه سرقت در انگلیسی «steal» می‌باشد، در فرهنگ انگلیسی نیز تعابیری مشابهی با فرهنگ فارسی از سرقت ارائه شده است: ربودن، سرقت، برداشتن مال دیگری بدون اجازه و پنهانی، از مجموع آنچه از کتب فقهی استنباط می‌شود، این است که غالب این تعاریف با توجه به حکم

شرعی سرقت و قیود و شرایط آن که عبارتند از «مال غیر بودن»، «مخفیانه بودن» و «حرز بودن» می‌باشد توافق دارند.

2- آثار و پیامدهای سرقت:

سرقت، به عنوان یکی از مهم‌ترین بیماری‌های روانی اقتصادی، آثار و پیامدهای مختلفی در رصه اجتماع دارد. مهم‌ترین آنان به اختصار چنین است:

2-1 آشفستگی روانی اقتصادی در جامعه:

از ویژگی‌های این پدیده شوم آن است که علیرغم لطمه زدن به نظام مالی افراد و اشخاص مال باخته به اقتصاد و روان جامعه نیز لطمه‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌سازد.

فردی که آمادگی انحراف در او دیده می‌شود، چنانچه در محیط زندگی، زمینه و شرایط مساعدی برای بزهکاری وجود داشته باشد، هر آینه به سوی جرم سوق داده می‌شود (20). چنانچه در اجتماع مظاهر فساد و تباهی و بی بند و باری حاکم باشد افراد مستعد، در گرداب تباهی‌ها اسیر می‌شوند و چنانچه نظام اجتماعی بر معیارها و الگوهای ارزشی استوار باشد و مسئولیت‌ها و برنامه‌های هدف‌دار و مشخص طرح‌ریزی گردد، امکان انحراف بسیار ضعیف خواهد بود (19).

پر واضح است در صورتی که سرقت با وجود دیگر بزهکاری‌های موجود در جامعه، رواج پیدا کند، بهداشت روانی اقتصادی اجتماع به خطر می‌افتد چرا که اموال افراد، در معرض سرقت و دزدی خواهد بود.

2-2 سرقت و اعتیاد:

اعتیاد و سرقت رابطه‌ای دو طرفه دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، سارق پس از مدتی در مسیر اعتیاد قرار می‌گیرد و به احتمال زیاد گرفتار می‌شود. از سوی دیگر سرقت، خیانت در امانت، سوء استفاده از اموال مردم و نظایر آن نیز در معتادان زیاد دیده می‌شود.

اکثر معتادان حتی در خانواده‌های مرفه، به سرقت گرایش دارند. 86 نفر از 300 نفر سارقی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، در زمان ارتکاب آخرین سرقت معتاد بودند و 24 درصد از آنها اولین سرقت خود را در حالت اعتیاد و یا

در جهت فراهم کردن پول لازم برای خرید مواد مخدر مرتکب شده‌اند. این نکته که در 28 درصد سرقت‌ها اعتیاد نقش دارد، نشان دهنده آن است که مقابله با اعتیاد و عوامل موجب شدن آن، کاهش سرقت را در پی خواهد داشت.

اعتیاد و سرقت سبب بروز حالات روانی ویژه‌ای در فرد می‌شود و این حالات زمینه انحرافات دیگر را برای او فراهم می‌آورد. اعتیاد به واسطه نیازها و حالات جسمی و روانی، فرد را برای بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین جرایم آماده می‌سازد و سرقت هم به خاطر ایجاد شجاعت و تهور کاذب، فرد را جسور، گستاخ و لج باز و انتقام جو می‌کند. او از نظر روانی آمادگی ارتکاب جرایم دیگر را دارد. این آمادگی افزون بر تأثیر عواملی که او را به سرقت کشانیده، حاصل استمرار ارتکاب خلاف‌هاست که او را از آینده ناامید می‌سازد. او خود را غرق شده در گرداب می‌داند و به تعبیری دیگر، بالاتر از سیاهی رنگی را نمی‌بیند.

استمرار ارتکاب سرقت شخص را جبری‌تر می‌سازد. سارق افزودن بر این که در کار خود متخصص و حرفه‌ای می‌شود، از نظر رفتار اجتماعی نیز خطرناک می‌گردد، به گونه‌ای که در مقابل کوچک‌ترین برخوردی که برایش ناخوشایند باشد، واکنش سریع، شدید و خطرناک نشان می‌دهد، زیرا ترس از مجازات که چند بار هم مزه آن را چشیده، در او تأثیر ندارد (19).

راهکارهای قرآن در برابر بیماری‌های اقتصادی:

قرآن کریم و روایات، از دیرباز بیماری‌های روانی اقتصادی را پیش‌بینی نموده و راهکارهایی را برای آنان ارائه داده‌اند. فقر، اتراف (مصرف گرایی و رفاه زدگی) و سرقت از بیماری‌هایی است که ما در این مجموعه به آن پرداخته‌ایم. اینک به راهکارهای قرآن و روایات در این موضوع می‌پردازیم.

الف) راهکارهای قرآن برای مقابله با فقر:

قرآن کریم و روایات، راهکارهای متعددی جهت درمان و ریشه کن کردن فقر در عرصه اجتماع دارد، که اصلی‌ترین آنها عبارتند از:

1- دعوت به کار و تلاش و تقوای فردی:

بی‌گمان یکی از عوامل فقر، بیکاری و کم‌کاری جامعه است. از این رو آموزه‌های دینی، با هدف فقر زدایی از جامعه، به عنصر کار و تقویت وجدان کاری، تأکید فراوان می‌شود و استفاده از منابع تخصیص یافته برای رفع فقر و تأمین نیازهای محرومان همچون زکات، تنها برای آن دسته از محرومان است که بر اثر بیماری، پیری و حوادث و مانند آن گرفتار نادانی و فقر شده‌اند. بنابراین استفاده از آن، برای کسانی که فرصت و توان اشتغال به کار را دارند مجاز نیست، چنان که امام باقر (ع) می‌فرماید: "صدقه برای پیشه ور و نیز کسی که تندرست و توانمند است، حلال نیست، پس، از گرفتن آن خودداری کنید. بدین سان رعایت دقیق دستورات دینی، زمینه هر گونه استفاده نادرست از فرهنگ انفاق را که خلاف هدف نهایی آن یعنی فقر زدایی است، از میان می‌برد (9). افزون بر این، تقوی فردی و توکل به خدا به معنای واقعی کلمه، در کنار کار و تلاش، روزی را افزایش داده و فقر را ریشه کن می‌کند و بی‌تقوایی توانمندی‌ها را در راه‌های زیان بار و غیر مفید تباه می‌سازد و هیچ‌گاه جوامع با کفر و بی‌ایمانی، به پیشرفت اقتصادی نرسیده‌اند (21).

2- حذف ثروت از معیارهای ارزیابی:

ما دیگران و متکاثران، ارزش را تنها منحصر در قدرت مالی و گاه نفرت و فرزندان خود می‌دانند و حتی آن را معیار قرب الهی می‌شمرند، و در طول تاریخ، پیوسته در برابر جبهه حق و پیامبران، این معیار را علم می‌کرده‌اند.

در مقابله با این اندیشه، در جای جای قرآن کریم (زخرف - 33، 34)، بر این نکته تأکید شده است که دارا بودن ثروت، نه ملاک قرب و محبوبیت در درگاه الهی است و نه معیار ارزیابی افراد و احراز صلاحیت آنان برای تصدی مسئولیت‌ها (10).

از سوی دیگر، قرآن کریم (توبه - 85) گاه ثروت فراوان را نوعی عذاب، کیفر گناهان و نشانه استدراج متکاثران بر می‌شمرد (10).

در روایات نیز ثروت معیار ارزشگذاری نیست، چنان که امام صادق (ع) می‌فرماید: آیا چنین پنداری که خداوند به آن کس که (مالی) عطا کرده، از آن روست که وی را گرمی و از آن کس که منع کرده خوارش نموده است؟ بلکه مال، از آن خداست که آن را نزد آدمی به ودیعت نهاده است (22).

بنابراین ثروت از دیدگاه اسلام، نه ملاک ارزش و برتری، که وسیله تأمین زندگی است و قوام و سامان بخش آن است، از این رو، گنجینه ساختن و تفاخر به آن، بازداشته شده است.

3- رسیدگی اغنیاء از محرومان:

از مهمترین وظایف ثروتمندان جامعه، رسیدگی به حال فقیران و نیازمندان است هم از بعد عاطفی (عدم تحقیر آنها و احترام به شخصیت آنان و...) و هم از بعد مالی - در بعد مالی، انفاق مالی، جایگاه ممتازی در مکتب اقتصادی و اخلاقی اسلام دارد به طوری که در قرآن کریم بیش از 190 آیه (حدود 3 درصد کل آیات) به این موضوع اختصاص یافته در این آیات با شیوه‌های گوناگون به اهمیت و ترغیب توانگران به این امر اشاره شده است، از جمله: اتفاق، از ارکان و نشانه‌های راستی ایمان است و هم ردیف نماز و جهاد با جان و تهجد شبانه و نشانه متقین و گردنه‌ای در مسیر تکامل نیز سودایی است مقدس که خداوند خریدار است و مومن فروشنده و بهشت بهای آن است (10). اهتمام فراوان آموزه‌های دینی به انفاق نشان از نقش موثر این عنصر، در ساماندهی امور اقتصادی، اجتماعی و دینی دارد، چه نهادینه شدن فرهنگ انفاق از مهم‌ترین عوامل توزیع عادلانه ثروت است و فقر و تکاثر، و آثار نامطلوب اعتقادی و اجتماعی آن را از جامعه می‌زداید.

ب) راهکارهای قرآن و روایات برای مقابله با اتراف (مصرف گرایی و رفاه زدگی):

قرآن کریم و روایات، جهت درمان و مقابله با اتراف راهکارهایی را عنوان می‌دارد که مهمترین آنها به قرار زیر می‌باشد:

1- دوری خواص از اتراف:

خواص و شخصیت‌های تأثیر گذار جامعه از زندگی اشرافی و اترافی باید بر حذر باشند چرا که آنان الگو و اسوه‌هایی برای توده‌های مردم به شمار می‌روند و شیوه زندگی آنان تأثیر فراوانی بر دیگران می‌گذارد (6).

پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) به عنوان الگو و اسوه جهانیان، از مظاهر زندگی اترافی و حتی از مصادیق جزئی آن، سخت پرهیز می‌کردند، هنگامی که برای رسول خدا (ص) نوشیدنی بسیار گوارایی آوردند، فرمود: «آخره عنی، هذا اشرب المترفین؛ آن را از من دور سازید که این، نوشیدنی مترفان است (23).

2- برقراری عدالت اجتماعی:

در بعد اقتصادی، انباشته شدن ثروت در دست عده‌ای محدود، از عوالم مهم بروز پدیده اتراف است، از این رو برقراری عدالت و توزیع عادلانه ثروت، زمینه بروز و گسترش آن را می‌کاهد یا نابود می‌سازد. امیر مومنان (ع) عامل اصلاح و ساماندهی امور جامعه را، دادگستری می‌داند: توده‌های مردم را جز عدالت، اصلاح نکند (24).

3- تقویت باورهای ایمانی و ارزش‌های اخلاقی:

حاکمیت ارزش‌های اترافی و رفاه زدگی بر یک جامعه در کنار ضعف بنیان‌های اعتقادی، بستر مناسبی برای گسترش روحیه اترافی، به وجود می‌آورد. بنابراین نخستین گام برای مقابله با آن - همچون دیگر مفاسد اقتصادی - قویت باورها و تحکیم ارزش‌های اصیل در جامعه است از این رو قرآن کریم، پیوسته مترفان را به فرجام دردناک اخروی آن بیم می‌دهد و به ارزش‌های اخلاقی، اصالت می‌بخشد.

ج) راهکارهای قرآن و حدیث در برابر سرقه:

قرآن کریم و روایات، راهکارهای متعددی جهت درمان، مقابله و ریشه کن کردن فقر در عرصه اجتماع دارد، که مهمترین آنها چنین است:



1- کیفر سرقت، راهی به سوی بهداشت روان اقتصادی جامعه:

مجازات در آراستگی زندگی گروهی و ساماندهی به پیوندهای افراد آن، بی گمان راه کاری بایسته و سازکاری سامانده به شمار می آید. این رویکرد از آن روست که از یک سو، آنان را به باید و نبایدهای خود در بستر این هم زیستی آشنا می سازد و از دیگر سوی، آنها را به صورت گردن نهادن به این وظایف، در برابر آن مسئول و پاسخ گو می انگارد؛ سودجویی ها و خواستنی های پایان ناپذیر انسان در کشاکش این زندگی اجتماعی، او را به دست اندازی به حقوق دیگران و سوسه می گند؛ همان که چگونگی آرام و سیمای عادی جامعه را به آشفستگی دچار می سازد. این جاست که کیفر به عنوان ابزاری مهارگر در آموزه های دینی و اندیشه دانش کیفر گذاشته شده است، تا به گمان خود در برابر این آسیب وسیله ای کارگر را فراهم دیده باشد.

در قرآن و روایات نیز مجازات جایگاهی بس برجسته دارد. این برجستگی از آن رو می باشد که با ویژگی مختار بودن انسان پیوند خورده است، زیرا هنگامی که پذیرفتیم انسان موجودی مختار می باشد، دست آورد این حق اختیار، مسئول بودن او در برابر هر گزینشی خواهد بود؛ و مسئول بودن نیز بدون پاداش و کیفر بی معناست (25).

2- آموزش اعتقادات دینی در سطح جامعه:

اهمیت موضوع اعتقادات در جامعه، برکسی پوشیده نیست لذا بر مسئولان جوامع لازم و بایسته است که به این مقوله، اهمیت ویژه ای دهند چرا که راه درمان بسیاری از بیماری های روانی از جمله بیماری های روانی اقتصادی و به طور خاص سرقت، منوط به موضوعات اعتقادی است.

در بررسی افرادی که در مراکز، بازپروری می شدند، ضعف شدید پابندی به اصول اعتقادی و دینی دیده شد، در حالی که اعتقادات دینی به دو علت اساسی موجب جلوگیری از ارتکاب اعمال خلاف می گردد. در دل و اندیشه انسان مؤمن هوا و هوس راه ندارد. او اسیر حرص و آز نبوده و بنده مظاهر دنیوی نیست (19). هیچ نیرویی او را از

مسیر هدایت منحرف نمی کند. با قناعت و توکل بر خداوند نیازهای دنیایی را در حد ضرورت به طریق مشروع تهیه و نیازها را از راه صحیح برآورده می سازد

### نتیجه گیری

کار، تلاش و تقوای فردی، حذف ثروت از معیارهای ارزیابی، همنشینی با محرومان و دوری از متکثران و رسیدگی اغنیاء به محرومان، از جمله راهکارهای قرآن و روایات، جهت درمان بیماری فقر و در نتیجه رسیدن به بهداشت روانی اقتصادی در عرصه اجتماع، می باشد.

قرآن و روایات معصومین برای درمان بیماری اتراف (مصرف گرایی و رفاه زدگی)، نیز رهنمودهایی دارد از جمله آنان می توان به، دوری خواص از اتراف، برقراری عدالت اجتماعی، تقویت باورهای ایمانی و ارزش های اخلاقی اشاره نمود.

آموزش اعتقادات دینی در سطح جامعه و کیفر سرقت، از دیگر راهکارهای قرآن و روایات، در درمان موضوع سرقت در جامعه می باشد.

رهنمودها و راهکارهای قرآن و روایات در این بخش نیز مانند سایر بخش ها مثر ثمر می باشد و با عمل به این دستورات، بهداشت روانی در جامعه، هویدا خواهد گشت.

### تشکر و قدردانی

به این وسیله از ریاست محترم دانشگاه علوم اسلامی رضوی و معاونت محترم پژوهشی که با حمایت معنوی از طرح "تأمین بهداشت روانی در اجتماع"، ما را یاری نمودند، تشکر و قدردانی می نمایم.

### منابع

1. Ganji H. Mental Health. Tehran: Arasbaran Pub; 2001.
2. Hosseini A. Fundamentals of Mental Health. Mashad: Mashad University of Medical Sciences Pub; 1998.

3. Majlesi M.B. Behar al anvar. Beirut: Dar al-hya Pub; 1982.
4. Ehsaie M.A. Avali al leali al aziziah fi al ahadith al diniah. Qom: Seyed al-shohada Pub; 1982.
5. Ibne katheer I.O. Al bedaye va al nahaye. Beirut: Maktab-al-Ma'aref Pub; 1966.
6. Imam Ali. Nahj al balagheh: Translated by Feiz al islam. Tehran, Iran. Feiz al islam Pub; 1949.
7. Qaradawi Y. Dovar al gheiam va al akhlagh fi al eghtesad al islami. Beirut: Institute of al-resaleh; 1996.
8. Sadough A.J. Al-Emali. Qom: World Organization for Islamic Services; 1983.
9. Kulayni A.J. Usul al-Kafi. Tehran: World Organization for Islamic Services; 1987.
10. Holy Quran.
11. Ibne Manzour Messri J.M. Lesan al Arab. Beirut: Dare Sader Pub; 1967.
12. Tabari M.M. Ta'rikhi Tabari. Doshanbe: al Hoda Pub; 2004.
13. Modaressi M.T. Man hada al Quran. Qom: Maktab Ayatollah Modaressi Pub; 1987.
14. Golmohammadi A. Jahani shodan, farhang, hoviat. Tehran: Ney Pub; 2002.
15. Toffler A. The Third Wave. 5<sup>th</sup> ed. Translated by Kharazmi Sh. Tehran: Farhang nashr e no Pub; 1991.
16. Hatefi Ardekani H. Pey jouie serghat. Tehran: Jhane Jam-e Jam Pub; 2005.
17. Rahbar M.T. Keifare serghat dar ghavanine jazaie Islam. Tehran: Be'that Institution Pub; 1982.
18. Heydari Naraghi A.M. Hagh al-nas. Qom: Mahdi Naraghi Pub; 2007.
19. Ghorbanhosseini A.A. Criminology and criminalistics. Tehran: Jihad Daneshgahi Pub; 1992.
20. Sadeghian A. The Qur'an and Mental Health. Qom: Pazhuhesh haye Tafsir va Ulume Qurani Pub; 2007.
21. Sharifonnasabi M. Charkhe tosee rahnamaye roshde shetaban. Tehran: Resa Institute for Cultural Services; 1996.
22. Ayyashi M.M. Tafsir al-Ayyashi. Tehran: Elmieh Pub; 2001.
23. Ebn Sa'ad M. Al -Tabaqat Al-Kabir. Beirut: Dare Sader Publishers; 1972.
24. Amoudi A.M. Ghorar al-hekam va dorar al-kalem. Translated by Mohammad Ali Ansari: Qom. Dalile ma; 1970
25. Makarem Shirazi N. Tafsire nemouneh. Tehran: Dar al-kotob Eslami Pub; 1995